

عنوان مقاله:

پرسش از واقع گرایی در اندیشه هیدگر

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 17، شماره 68 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

محمدحسین محمدعلی خلج - محقق پسادکتری فلسفه، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

این مقاله که به پرسش از واقع گرایی و ناواقع گرایی در هیدگر می پردازد از چهار بخش تشکیل شده است. در بخش نخست در مروری تاریخی تصویری کلی از سه دسته تفسیر متفاوت از واقع گرایی و ناواقع گرایی در فلسفه هیدگر در میان مفسران انگلیسی زبان او عرضه خواهد شد. دسته نخست هیدگر را واقع گرا می دانند؛ دسته دوم تفسیری ایده آلیستی از او ارائه می کنند و دسته سوم او را نه واقع گرا و نه ایده آلیست به شمار می آورند. در بخش دوم تفسیر واقع گرایی حداکثری دریفوس - اسپینوزا از هیدگر و دو استدلال ایشان یعنی برهان جهان های چندگانه و استدلال پدیده شناختی در دفاع از آن روایت می گردد. در بخش سوم نقدهای سه نمونه از مهم ترین منتقدان این تفسیر، یعنی راتال، مالپس و رورتی، ارزیابی و نقاط ضعف و قوت آن نقدها آشکار می گردد. در بخش چهارم در ذیل ارزیابی نهایی بر پایه نقدهایی مستقل دریفوس - اسپینوزا از دید فلسفی از جهات گوناگون به چالش کشیده می شود و نگرانی هایی تفسیری نیز در مورد آن مطرح می گردد.

کلمات کلیدی:

هیدگر، دریفوس، اسپینوزا، واقع گرایی حداکثری، جهان های چندگانه، استدلال پدیده شناختی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1596187>

